



چند همسری در قرآن و سیره پیامبر (ص)

پدیدآورنده (ها) : حمای، وحیده

علوم قرآن و حدیث :: نشریه بینات (موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام) :: زمستان ۱۳۸۵ - شماره ۵۲

صفحات : از ۲۰۳ تا ۲۱۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/208575>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

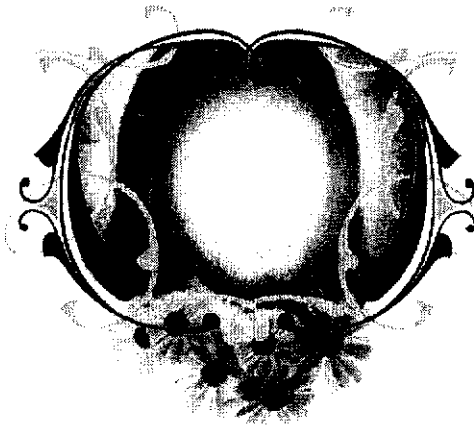


مقالات مرتبط

- چند همسری در قرآن؛ نقد دیدگاه دکتر نصر حامد ابوزید
- بازتاب چند همسری در جامعه
- تبیین و بررسی گستره ظهور و دلالت آیه جواز چند همسری
- بررسی میزان بهزیستی روانشناختی و سازگاری زناشویی و رضایت از زندگی در بین خانواده های چند همسری و تک همسری
- نقد دیدگاه مستشرقان درباره تعدد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از منظر قرآن
- تحلیل حکمت‌های تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه و آله و بازخوانی اختصاصات نبی در ازدواج
- تأثیر تشیع در الگوی همسرگزینی ایرانیان
- بررسی فقهی لزوم اذن همسر اول در ازدواج مجدد مرد
- آسیب‌شناسی مسئله‌ی تعدد زوجات در حقوق و رویه‌ی قضایی ایران
- سبک‌های دل‌بستگی و شیوه همسرگزینی (چند همسری - تک همسری)
- تعدد همسران پیامبر (ص)
- ضرورت متدشناسی روش تفسیر مقاصدی در روش تفسیر عصری

عناوین مشابه

- آموزش و ترویج قرآن در سیره پیامبر (ص)
- حق آزادی مذهبی در دعوت دینی و ارتباط با جهاد با تاکید بر قرآن و سیره پیامبر اسلام(ص)
- روش‌شناسی آموزش قرآن کریم و تعالیم دینی به کودکان در گام‌دوم انقلاب اسلامی با تاکید بر سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع)
- بررسی تطبیقی الگوی تاریخ نگاری قرآن کریم و منابع تاریخی منتخب (مغازی و اقدی، طبقات ابن سعد، سیره ابن هشام و تاریخ طبری) در نحوه انعکاس آگاهی پیشین یهود از صفات پیامبر(ص)
- شخصیت و سیره پیامبر اکرم (ص) در آئینه قرآن
- شخصیت و سیره پیامبر اکرم (ص) در آئینه قرآن
- عرضه قرآن توسط پیامبر(ص) و جبرئیل و جایگاه آن در مطالعات قرآنی
- رفتارشناسی مردم در برابر دعوت پیامبر اکرم (ص) از منظر قرآن و حدیث
- جهت‌گیری بحث بشارت به پیامبر اسلام (ص) در قرآن و تطبیق آن با متون موجود
- سیره اقتصادی پیامبر اعظم (ص) در تجمیع و تقسیم زکات



چند مسری در قرآن

و پیوسته

وحیده حمامی

مقدمه

در سالی که به نام مبارک پیامبر اعظم (ص) مزین شده شایسته است بار دیگر تأمل و اندیشه ای عمیق در جنبه های مختلف اسوه حسنه زندگی، حضرت محمد (ص) داشته باشیم و عزت و عظمت پیامبر (ص) را بیش از پیش به جهانیان بنمایانیم.

یکی از ابعاد مهم زندگی حضرت، زندگی خصوصی و خانوادگی ایشان است که مسأله تعدد همسران مربوط به این جنبه مهم می باشد. چند همسری امری است که در بین اقوام و ملل مختلف، بالاخص میان اعراب جاهلیت رواج داشته و با آمدن اسلام از بی قید و بندی خارج شده و در چار چوبی قانونمند متبلور شد که نتیجه آن عزت و آرامش زن از یک طرف و استحکام و پایداری روابط زناشویی از طرف دیگر می باشد.

بر اساس تصریح قرآن کریم برقراری عدالت بین همسران امری لازم و ضروری است که پیامبر با خلق عظیمی که داشت توانست زنان متعدد از قبائل مختلف را به عقد خویش در آورد بدون اینکه کم ترین حقی از کسی ضایع شود.

در این مجال مختصر برآنیم تا علت تعدد همسران، در سیره رسول الله را بررسی کرده و نظرات دانشمندان مختلف را بیان کرده و گزارشی کوتاه از زندگی و ازدواج های همسران پیامبر و انگیزه آنها، هم چنین مقام زنان پیامبر از دیدگاه قرآن را بیان کنیم.

اما در این زمینه باید تحقیقی جامع تر انجام شود تا تمام سوالات مربوط به این موضوع

پاسخ داده شود.

جواز تعدد زوجات از منظر قرآن

ازدواج و تولید نسل امری کاملاً طبیعی و حقی است که خداوند برای بندگان خود در نظر گرفته تا به کمال رسیده و انسانیت آنها تمام گردد. از جمله مسائل عمده‌ای که اسلام آن را تأیید کرده، مسأله ازدواج مکرر و چند همسری است، البته مسأله تعدد زوجات ابتکار اسلام نیست، بلکه در بین اعراب جاهلی و ملل مختلف غیر عرب به شکل حرمسرا وجود داشته است، به طوری که بعضی بت پرستان هنگامی که گرایش به اسلام یافتند، بیش از ده زن در خانه داشتند، اسلام تنها آن را محدود کرده و شرایطی را برای آن تعیین نموده است.^۱

یکی از مواردی که قرآن کریم تعدد زوجات را تجویز کرده است آیه ۳ سوره نساء می باشد که چنین می فرماید: *و ان خفتم الا نقسطوا فی الیتامی فانحکوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع...* در آیه مذکور دو نکته مهم نهفته است؛ یکی اینکه تعدد زوجات مشروط به توانایی می باشد و دیگری اینکه اجازه چنین امری مربوط به مواقع غیر عادی است که به طرفین زن و شوهر عارض می شود مانند: جنگ، مرض، فلج اعضا، شدت مصائب، قتل و غارت، سرپرستی خانواده های یتام، تجارت و بازرگانی، مسافرت ممتد و غیره که رخصت چنین حقی را می دهد و گرنه سعادت در وحدت و یک زنی است، چرا که سعادت و اساس زناشویی بر اساس عدالت است که جامعه آفرینش بدان بسته است و آن هم با یک زن کافی است و گسترش عدالت در بیش از یک زن برای هر کس ممکن نیست. از طرفی حوادث اجتماعی و سوانح فکری بشر گاهی او را دست خوش مشکلاتی می نماید که ثانیاً و بالعرش مجبور به تجدید فراش می شود و گرنه اصلاً همان یک زن کافی است.^۲

قانون تعدد زوجات و فلسفه آن

قبل از توضیح قانون تعدد زوجات بهتر است مختصراً وضع زن در عربستان را بیان کرده سپس به قانون تعدد زوجات اشاره کنیم.

عرب برای زن استقلال قائل نبود، به زنان ارث نمی داد و تعدد زوجات را مانند یهود بدون هیچ تهدیدی جایز، هم چنین طلاق را بدون هیچ قید و شرطی تجویز می کرد و برای به دست آوردن پول، آنها را به فحشا، وا می داشت و گاه از ترس تنگدستی دختران خود را می کشت.^۳

اما اسلام زن را به مجامع اجتماعی دعوت کرد و مالک اموالش قرار داد و مهریه را به عنوان هدیه ای به او بخشید. زنان را به جای برده و خدمتگزار شوهران، همسر و همدل شوهران قرار داد و برایشان تا آن حد قائل شد که فرمود: هن لباس لکم و انتم لباس لهن.^۴ قانونمند کردن ارتباطات زن و مرد در قالب ازدواج یکی از قوانینی بود که در عربستان و دیگر نقاط جهان گسترش یافت و تعدد زوجات یکی از قوانین مفید برای اجتماع بشری است که آشکارا در اسلام به تصویب رسیده است. ولی جزء قوانین اولیه نکاح نیست اما دارای تمام مزایای حقوق یکسان زناشویی است مگر در عواطف نهانی که دل در اختیار خود بشر نیست. تعدد زوجات با شرایط خاصی که دارد برای زن و مرد بهتر است از بی شوهری زنان و تجرد مردان و اجبار سازش با زن نامطلوب.^۵

زمانی که ما نیاز اجتماع را در نظر بگیریم و عقل را میزان قرار دهیم به خوبی فلسفه قانون تعدد زوجات معلوم خواهد شد، زیرا طبق آمار موجود تعداد زنان بیشتر از مردان است. زیرا ضایعات ناشی از بیماریها، تصادفات و جنگها عموماً بر مردان وارد می شود و زنان تا حدی از این امر مصون هستند. از سوی دیگر دختران از نظر خلقت زودتر به حد بلوغ جنسی می رسند و در پنجاه سالگی به حد یائسگی می رسند. ولی مردان در پانزده سالگی به بلوغ رسیده و تا سن نودسالگی قدرت تولید مثل دارند. با توجه به هر دو طرف این قانون خلقت اگر جلو تعدد زوجات گرفته شود به هر دو طرف ظلم شده و به معنای تعطیل قانون فطرت است.

از طرفی دانشمندان غربی هم وجود چنین قانونی را برای همه جوامع بشری لازم می دانند. مثلاً شو پنهاور می گوید:

قانون ازدواج اروپا که مردان را الزام می کند به یک زن اکتفا کنند بر اساس نامعقول و فاسدی بنا شده است.

گستاو لوبون می گوید:

مسأله تعدد زوجات یکی از رسوم بسیار خوبی است که فساد اخلاق را از میان دست‌هایی که آن را جایز می‌دانند برداشته و ارتباط خانواده‌ها را محکم‌تر می‌کند و چنان احترام و سعادت‌ی به زن می‌بخشد که نظیرش در اروپا دیده نمی‌شود.^۶

تعدد زوجات پیغمبر خاتم و فلسفه آن

ما در این بخش از مقاله تعدد زوجات پیامبر را توضیح داده و در بخش‌های بعدی مسائلی در مورد همسران رسول الله بیان می‌کنیم.

مسأله تعدد زوجات پیامبر پس از فوت حضرت خدیجه (س) بود که آن حضرت سنأ بین پنجاه و شصت بود. کسی که مردم او را به جلالت و عفت می‌شناختند. کسی که در سن ۲۳ یا ۲۵ سالگی با زن ۴۰ ساله‌ای ازدواج می‌کند و تا ۵۰ سالگی به یک زن بیوه بسنده می‌کند، چگونه می‌شود به او نسبت شهوت رانی داد؟

و نیز بار سنگین نبوت و تربیت مردم و تحمل آن همه رنج‌ها و تصدی آن همه جنگ‌ها چگونه همتی برای شهوتی رانی باقی می‌گذارد؟

بر فرض محال اگر قصد شهوت رانی درست می‌بود بایستی آن وقت که جوان و آسوده فکر بود زن‌های متعدد داشته باشد نه در هنگام پیری و تراکم و استیلای انکار که جداً خاموش‌کننده آتش شهوت می‌باشد.^۷

علامه کاشف الغطاء، در حکمت و مصلحت تعدد زوجات می‌نویسد:

سیاست دین محمدی ایجاب می‌کرد برای جلب توجه مردم، زنانی که عرض وصلت می‌کردند اجابت فرماید و خویشاوندی با هر زنی موجب جلب توجه قوم و ملتی را می‌نمود.

تعدد زوجات از نظر فردی تحکیم مبانی دوستی بین مردم مختلف جهان بود که همه رو به اسلام بیاورند و از نظر جمعی بیان حکمت و مصلحت اجتماعی بود که پیغمبر درس داد تا از یک خاندان یتیم مردی برانگیخته شود و دارای چنان جاذبه اخلاقی و ملکوتی گردد.^۸

شیخ محمود علی ناصف، حکمت تعدد زوجات پیامبر را این گونه برمی‌شمارد:

۱. زیاد شدن فامیل و اقوام زنان خود برای نشر اسلام

۲. افتخار پیوستگی قبایل با آن حضرت که به اسلام رو آوردند
۳. نشر مکارم اخلاق پیامبر و به تبع آن آشکار شدن آثار رسالت
۴. خارق العاده بودن زناشویی پیامبر با وجود مشکلات بسیار
۵. نشان دادن گذشت خود نسبت به دشمن چنانکه با ام حبیبه دختر ابوسفیان ازدواج کرد

۶. نقل احکام شریعه زنان
۷. مردم باید بدانند بین دنیا و آخرت تنافی وجود ندارد و به شرط اعتدال و فضیلت اخلاقی می توان بین آن دو جمع کرد.^۹

از دیگر حکمت های تعدد زوجات پیامبر می توان به چند مورد اشاره کرد:

توجه به جنبه های روحی و معنوی همسر؛ پناه دادن به زنی بی پناه؛ ایجاد ارتباط و پیوستگی بین مسلمانان و غیر مسلمانان؛ اجرای قانون الهی؛ مثل ازدواج پیامبر با زینب همسر پسر خوانده شان، برای بیان حکم اسلام و نفی خرافه جاهلیت؛ برای به دست آوردن دل ها و دوری از شر عده ای.^{۱۰}

پس به طور کلی علت تعدد همسران رسول(ص) همان پیشرفت اسلام و مبارزه با شرک و بت پرستی و اعلائی کلمه توحید بود و هر کدام از ازدواج ها به نوبه خود وسیله ای مؤثر برای پیوند با یکی از قبائل و سران بزرگ عرب بود و یا به منظور حفظ آبروی یک خانواده محترم و یا یک زن باایمان و فداکاری که همه چیز خود را در راه اسلام از دست داده بود، انجام می شد.^{۱۱}

مقام زنان پیامبر(ص) از دیدگاه قرآن

شرافت همسری رسول خدا(ص) امری است مهم که شرایط خاص خود را داراست که قرآن کریم در بعضی از آیات به این شرایط اشاره می کند.

بر اساس آیه ۲۸ و ۲۹ احزاب؛ یا ایها النبی قل لا زواجک ان کنتن تردن الحیاة الدنیا و زینتها فتعالین امتعکن... و ان کنتن تردن الله و رسوله... منکن اجراً عظیماً؛ زنان رسول خدا (ص) می بایست از وضع مادی رسول الله راضی باشند و اگر زنان به دنبال زینت دنیا بروند طلاق داده خواهند شد.

زنان پیامبر بین دو امر مخیراند: یا بروند و به دنیای خویش بپردازند، یا زندگی ساده و شرافت همسری رسول را برگزینند. پس جمع بین وسعت در عیش دنیا و همسری رسول خدا ممکن نیست و صرف همسری رسول خدا(ص) نمی تواند اجری عظیم داشته باشد. بلکه کرامت و احترام برای همسری توأم با احسان و تقواست. پس اگر زنان ماندن نزد رسول را اختیار کردند در عمل هم باید نیکوکار باشند و گرنه در دنیا زیانکار شده و آخرت را هم از دست می دهند.

آیات بعدی یعنی آیه ۳۰ و ۳۱ احزاب می فرمایند: یا نساء النبی من یات منکن بفاحشه مبینه یضاعف لها العذاب ضعفین... و من یقتل منکن لله... نوتها اجرا مرتین... با توجه به محتوای آیه مذکور اگر همسران پیامبر عمل زشتی را مرتکب شدند عذاب آنها دو چندان خواهد بود و صرف همسری رسول مانع عذاب نخواهد بود. اما اگر هر یک از زنان پیامبر از دستورات خدا و رسولش اطاعت کنند و عمل صالح انجام دهند اجر دو برابر خواهند داشت. و بهشت نصیب آنها خواهد شد.

این امر نشانگر این مطلب است که تکلیف آنان مؤکد و مسؤولیت آنان سنگین تر است. یعنی در اجرای دستورات رسول مبنی بر اینکه با صدای ظریف زنانه و کرشمه و ناز صحبت نکنید، حجاب خویش را رعایت کنید، در برابر مردم ظاهر مشوید باید دقیق تر و استوارتر از دیگر زنان عمل کنند.

آیه مهم بعدی در مقام زنان پیامبر(ص) این است که زنان رسول(ص) مادران امت اند چنانکه آیه ۶ سوره احزاب می فرماید: النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم وازواجه امهاتهم.

بر اساس این آیه شریفه پیامبر سزاوارتر است به مؤمنان از خود آنها و زنان پیغمبر در اطاعت و عطوفت و حرمت نکاح به حکم مادران مؤمنان هستند. اینکه زنان رسول مادران امت هستند حکمی است شرعی و مخصوص به آن جناب و معنایش این است که همان طور که احترام مادر بر هر مسلمان واجب و ازدواج با او حرام است، همچنین احترام همسران رسول خدا بر همه واجب و ازدواج با آنان بر همه حرام است.^{۱۲}

علت منع ازدواج با همسران رسول(ص) را چنین برمی شماریم: دشمنان رسول خدا(ص) به عنوان انتقامجویی می خواستند با ازدواج با همسران پیامبر، ضربه ای به حیثیت پیامبر وارد کنند، قداست و حرمت پیامبر مانع از این است که همسرانش در اختیار دیگران

قرار گیرند، جمعی از افراد سودجو با ابراز اینکه از درون خانه پیامبر آگاهی دارند، مسائلی را خلاف واقع بین مردم نشر دهند، ممکن بود همسران رسول (ص) ناخودآگاه اسرار درون خانه و یا رفتار و خلوت پیامبر را که در حریم مقدس خانه بود برای همسران بعدی نقل کرده و این با شأن پیامبر سازگار نیست.^{۱۳}

نکته مهم در مورد مقام زنان رسول (ص) اینکه قرآن کریم از زنان پیغمبر به صورت جمع سخن به میان آورده تا تعدد آنها را برساند، اما نام هیچ کدام را به صراحت ذکر نکرده است. چنانکه در سوره تحریم آیه ۱ تا ۴ می گوید که: عملی از اعمال حلال بوده که رسول آن را انجام می دادند و بعضی از همسرانش از آن عمل ناراضی بوده و آن جناب را در مضیقه قرار می دادند تا آن جناب ناگزیر شده سوگند بخورد که دیگر آن عمل را انجام ندهد. در حالی که این مسأله از مسائل شخصی بوده نه مسائل مربوط به رسالت های او برای مردم و خداوند طی این آیه از رسول می خواهد که سوگند خود را بشکند. همان طور که واضح است نام همسرانی که پیامبر را در مضیقه قرار دادند مشخص نشده است و به صورت جمع آمده است.^{۱۴}

از آیاتی که ذکر شد احکامی برداشت می شود به قرار ذیل: اگر زنان در همسری پیامبر بمانند از زینت های دنیوی جز «عفت» و «رزق اندک» بهره ای ندارند، چون موقعیت حساسی دارند باید شدائد و سختی های زیادی را تحمل کنند، عفت داشته و خود را در معرض نامحرم قرار ندهند، نماز بخوانند و زکات بدهند و از آیات خداوند یاد کنند، از رسول اطاعت کرده و در برابر او خضوع داشته باشند، کلام را با کرشمه و ظرافت بیان نکنند،^{۱۵} تکلیف آنان مؤکد و مسؤولیت آنان سنگین تر است، ازدواج با آنان بر همه حرام است، احترام آنها بر همه واجب است.

تفاوت پیامبر (ص) با مؤمنین در امر چند همسری

۱. پیامبر بر اساس مبانی انسانی و مصالح اسلامی با زنان متعددی ازدواج کردند بدون هیچ انگیزه دنیوی، در حالی که در موارد دیگر افراد این چنین نمی باشد و چه بسا از روی شهوت و خواسته های دنیوی به این امر مبادرت ورزند.
۲. همسران رسول، مادران امتند و احترام آنها واجب است و افراد دیگر نمی توانند با

آنها ازدواج کنند اما در موارد دیگر چنین قانونی وجود ندارد.

۳. جایز است که زنان خود را به پیامبر هبه کنند مانند میمونه، چنانکه آیه: و امره مؤمنه ان و هبت نفسها للنبی (احزاب، ۵۰/۳۳) به این امر اشاره می کند اما برای غیر پیامبر حلال نیست.

۴. پیامبر در برقراری عدالت بین همسران متعدد اسوه حسنه هستند و زنان مختلف را مجذوب اخلاق نیکوی خود کرده بودند اما افراد دیگر از این امر خطیر عاجزاند.

۵. بر اساس حدیثی در کافی^{۱۶} به سند خود از خضرمی از ابی جعفر (ع) روایت کرده که در ذیل آیه «یا ایها النبی انا احللنا لک ازواجک» در پاسخ کسی که پرسید: خداوند چند همسر برای رسول خدا حلال کرد؟ فرمودند:

هر چه می خواست می توانست بگیرد، پیامبر هر چند تا همسری که می خواست می توانست بگیرد اما این امر در مورد دیگر افراد صدق نمی کند.

ازدواج های پیامبر اسلام (ص)

پیامبر با زنان متعددی ازدواج کردند اما بعضی از زنانی که به تزویج رسول درآمدند زفاف نداشتند و به دلائلی پیش از زفاف مطلقه شدند. در این بخش نام تعدادی از همسران پیامبر که چند سال یا چند ماه در شرف همسری پیامبر بودند، ذکر کرده و مختصری از زندگی ازدواج آنها را بیان می کنیم.

خدیدجه (س) افضل زنان رسول (ص): خدیدجه دختر خویلد بن اسد، مادرش دختر زائده بن اصم بود.^{۱۷} او قبل از ازدواج با رسول (ص) با ابی هالد بن زراره تمیمی و عقیق بن مخزومی ازدواج کرده بود.^{۱۸} زمانی که خدیدجه چهل سال داشت و پیامبر در سن ۲۵ سالگی به سر می برد، در مکه به عقد پیامبر درآمد و ۲۴ سال و چند ماه در شرف همسری پیامبر خدا (ص) بود و در سن ۶۵ سالگی از دنیا رفت.^{۱۹} اما قدر مسلم این است که پیشنهاد ازدواج، ابتدا از طرف خود خدیدجه بوده است.^{۲۰}

انگیزه ازدواج: انگیزه این پیوند مبارک، آگاهی ژرف و ایمان خدیدجه به تقوا و امانت و آینده درخشان محمد (ص) بود.^{۲۱}

سوده بنت زمعه: بنا بر مشهور پیامبر پس از مرگ خدیدجه و پیش از آنکه عایشه را عقد

نماید، در مکه با سوده ازدواج کرد. او قبلاً همسر پسر عموی خود سکران بن عمرو بود. وقتی پیامبر می خواست او را طلاق دهد. گفت: مرا طلاق مده. که دلم می خواهد در قیامت همراه همسران تو محشور شوم... پیامبر نیز او را پیش خود نگه داشت.^{۲۲}

نقل شده سال ازدواج آنها سال دهم هجرت بود و پیامبر به پیشنهاد خوله با سوده ازدواج کرد. آن چنان که تاریخ گواهی می دهد، سکران و سوده و دیگران به حبشه هجرت کردند و بعد از بازگشت به جزیره العرب، سکران از دنیا رفت. زمانی که خوله پیشنهاد ازدواج داد، پیامبر به یاد سختی ها و محنت دوری از وطن سوده افتاد و لذا می خواست زمان پیری او را پناه دهد و این چنین حضرت با سوده ازدواج کرد.^{۲۳}

انگیزه ازدواج: پیامبر با این کار موجب غیرت دیگران گردید و نسبت به مردی که در راه بقاء حق و حقیقت متحمل رنج ها گردیده وفاداری نشان داد و از طرفی خشم زن را در مرگ شوهر فرو نشاند و از طرف دیگر اقوام و قبائل او را به دین اسلام جذب کرد.^{۲۴}

عایشه بنت ابوبکر: او در سال چهارم بعثت متولد شد، مادرش ام رومان بود. پیامبر او را در شوال سال دهم و سه سال قبل از هجرت زمانی که عایشه ۶ یا ۷ ساله بود برای خود عقد کرد^{۲۵} و در ۱۱ سالگی زفاف رخ داد. او حدود ۹ سال در خانه رسول خدا بود و وفات او در سال ۵۸ زمان خلافت معاویه رخ داد.^{۲۶} زمان وفات پیامبر ۲۰ سال داشت. انگیزه ازدواج: این ازدواج برای تألیف قلوب و نشر احکام دین توسط عایشه به زنان قبائل بود نه به قصد شهوت آن چنان که بی خردان گمان می کنند.

حفصه بنت عمر بن خطاب: او نخست همسر خنیس بن حذافه السهمی بود، که شوهرش در جنگ بدر درگذشت. در آن زمان حفصه ۱۸ سال داشت.

عمر حفصه را به ابوبکر و عثمان معرفی کرد اما آنها نپذیرفتند. عمر از عثمان نزد رسول شکایت برد که عثمان زن ندارد و حفصه شوهر! پیامبر دریافت که گرفتن حفصه سبب تحکیم دوستی اقوام شوهری حفصه و پدر او می شود. لذا حفصه را به نکاح خویش در آورد و خویشان شوهری او به اسلام رو آوردند.^{۲۷} روایت شده که پیامبر سی ماه پس از هجرت خود با حفصه ازدواج فرمود.^{۲۸}

انگیزه ازدواج: تحکیم روابط دوستی میان اقوام شوهری حفصه و پدرش و رو آوردن به اسلام.

زینب بنت خزیمه: همسر اول او عبدالله بن جحش یا عبده بن حارث بود که در جنگ احد شهید شد.^{۲۹} کلبی گوید: پیغمبر با خود او در مورد ازدواج صحبت کرد و او را به عقد خویش در آورد. او در رمضان که سی و یکمین ماه هجرت بود با پیامبر ازدواج کرد، او فقط هشت ماه پس از ازدواج با پیامبر زنده بود و حدود سی سال زندگی کرد.^{۳۰} او در جاهلیت به ام المساکین معروف بود^{۳۱} و این به جهت اطعام و انعام به مساکین و فقرا بود.

انگیزه ازدواج: حفظ خانواده و جلب توجه قریش به اسلام و حمایت از خانواده شهداء اسلام.

ام سلمه: اسم او هند بود، پدرش ابوامیه حذیفه بن مغیره و مادرش معاتکه بنت عامر بود.^{۳۲}

او ابتدا به همسری پسر عمومی خود ابوسلمه، پسر عمه و برادر رضاعی پیامبر خدا در آمد که ابوسلمه در احد شهید شد.^{۳۳}

پیامبر او را در سال چهارم هجری به تزویج خود در آورد. پس از خدیجه افضل زنان رسول، ام سلمه بود. او دارای فصاحت و بلاغت و صاحب رأی بود. ام سلمه در سال ۶۱ پس از واقعه کربلا فوت کرد.^{۳۴}

انگیزه ازدواج: سرپرستی از خانواده های یتیم و حمایت از آنان (ام سلمه و فرزندان او سلمه، عمر، دره، زینب)

زینب بنت جحش: نام اصلی او برة بود، حضرت نام او را عوض کرد و او را زینب نهاد. او عمه زاده رسول و در سال سوم به شرف ازدواج مفتخر گردید و به روایتی در اول ذی القعدة سال چهارم که آن زمان زینب ۳۵ ساله بود.

او ابتدا به دستور رسول همسر زید بن حادثه که پسر خوانده رسول بود شد، از آن جایی که زینب و زید با هم سازش نداشتند از یکدیگر جدا شدند، بعد پیغمبر او را به زنی گرفت تا تفقدی نموده و به سبب شرف وصلت با رسول خدا، رفع توهم پسر خوانده او شود و شرافت زینب محفوظ شود.

بنابر آیه لکی لا یكون علی المؤمنین حرج... (احزاب، ۳۳/۳۷) هیچ مانعی نیست که مؤمنین پس از طی تشریفات طلاق زنان پسر خوانده آنها را به عقد خود در آورند. پس پیامبر به امر

وحی با زینب ازدواج کرد.^{۳۵}

انگیزه ازدواج: تفقد از زینب و حفاظت از شرافت او، اطاعت از فرمان وحی .
جویریة بنت حارث: اسم او ابتدا برة بود که حضرت او را جادیه نام نهاد،^{۳۶} او قبلاً
همسر مسافع بن صفوان مصطلقی بود. زمان ازدواج با حضرت رسول بیست سال داشت
و این ازدواج در سال پنجم صورت گرفت.^{۳۷} بنا بر روایتی او ۶۵ سال عمر کرد و در سال
۵۵ وفات یافت.^{۳۸}

انگیزه ازدواج: دادن عزت و شرافت به جوهریه، خویشاوندی با قبیله خزاعه و مسلمان
شدن آن قبیله

ام حبیبیه: نام او رمله بود، بعد از آنکه حبیبیه دختر عبیدالله را به دنیا آورد، کنیه اش ام
حبیبیه شد، پدر او ابوسفیان از دشمنان سرسخت اسلام در مکه بود، مادرش صفیه دختر
ابی العاص بن امیه بود، او زنی باهوش و فصیح بود.^{۳۹}

او بعد از هجرت به حبشه از همسر خود عبیدالله جدا شد. و با وکالت خالد بن سعید
به همسری رسول (ص) درآمد. آن زمان او یک بیوه زن چهل ساله بود.^{۴۰} در سال هفتم
همراه شرجیل به مدینه آمد.

انگیزه ازدواج: حفظ قومیت و خانواده، تحکیم روابط فامیلی و عقیده توحید
صفیه بنت حی بن اخطب: پدرش رئیس خیبر و شوهرش کنانه از رجال برجسته خیبر
بود که در جنگ کشته شد و صفیه اسیر گردید و قسمت دحیه کلبی شد و او تقدیم پیشگاه
رسول خدا (ص) نمود. پیامبر او را آزاد کرده او را تزویج فرمود و اعتناق او را صدق او
فرمود.^{۴۱} صفیه در آن زمان ۱۷ سال داشت. او قبلاً به همسری سلام بن مشکم و کنانه بن
ربیع در آمده بود.

حضرت رسول به صفیه یادآوری می کرد که بگوید جد من هارون (ع)، عمویم
موسی (ع) و همسر محمد (ص) است. او در سال ۵۰ یا ۵۲ هجری درگذشت.^{۴۲}

انگیزه ازدواج: جلب توجه اقوام یهودی به اسلام و احترام و تکریم اسیران و زنان.
میمونه بنت حارث بن حزم: ابن سعد در طبقات می گوید: سعید بن منصور... از
ابن عباس نقل می کند که رسول خدا فرمود: خواهران مؤمنه عبارتند از: میمونه، ام الفضل
و اسماء و او اول زنی بود که بعد از خدیجه ایمان آورد.^{۴۳}

ابن شهاب می گوید:

میمونه همان زنی است که خود را به رسول (ص) بخشید و آیه ۵۰ سوره احزاب «و

امرة مؤمنة ان وهبت نفسها للنبي...» در مورد او نازل شد. ۴۴

در سال هفتم هنگامی که حضرت رسول را برای عمره القضاء، به مکه آمد، جعفر بن

ایطالب از میمونه دختر حارث برای پیامبر خواستگاری کرد. ۴۵ در آن زمان میمونه زن ۲۶

ساله ای بود که چندی پیش شوهر خود ابورهم بن عبدالعزی را از دست داده بود.

در کتاب الاصابه به نقل عایشه، ... آمده است: ۴۶... به خدا او از همه ما پرهیزگاتر

بود و از همه بیشتر به خویشان خود رسیدگی می کرد.

میمونه در ۸۰ سالگی در سال ۶۶ درگذشت. بر اثر ازدواج پیامبر با میمونه بسیاری از

قبائل نصاری و قبیله میمونه اسلام آوردند و از گرسنگی و ترس نجات یافتند.

انگیزه ازدواج: این ازدواج هم صرفاً با انگیزه تشدید مبانی توحید و تحکیم اساس

اسلام و نشر احکام شریعت بوده است. ۴۷



نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که در این مقاله ارائه شد سبب این نتیجه می رسیم که تمام ازدواج های

پیامبر با انگیزه تشدید مبانی توحید، دعوت قبائل مختلف عرب به اسلام، نشر احکام

دین، تحکیم اساس خانواده انجام شده است و هدفی جز تعالی دین مبین اسلام نداشتند.

از آن جایی که اکثر همسران پیامبر (ص) قبل از ازدواج با رسول به ازدواج افراد دیگری

تن داده اند و در سنین بالایی به سر می بردند نشانگر این است که پیامبر از پی برآورده شدن

نیازهای خود نبوده اند.

۱. زهرا گزاهى، سيمای زن در فقه شيعه / ۱۰۱، معاونت پژوهشى، نشر سازمان تبليغات اسلامى، ۱۳۷۲.
۲. عماد الدين اصفهانى، زنان پيغمبر اسلام / ۱۵۳ - ۱۵۷، نشر محمد، ۱۳۷۰.
۳. محمد حسين طباطبائى، تعدد زوجات و مقام زن در اسلام / ۳-۹، آزادى.
۴. سيمای زن در فقه شيعه / ۲۳-۳۱.
۵. زنان پيغمبر اسلام / ۱۵۵.
۶. سيد هاشم محلاتى، زندگانی حضرت محمد(ص)/ ۱۳-۱۶، انتشارات علميه اسلاميه، ۱۳۶۴.
۷. چزندابى، واعظ، زندگانی حضرت محمد، ترجمه الابطال / ۱۴۹-۱۵۰.
۸. کاشف الغطاء، فردوس الاعلى / ۸۱.
۹. زنان پيغمبر اسلام / ۳۷۲-۳۷۶.
۱۰. سيمای زن در فقه شيعه / ۱۱۰.
۱۱. زندگانی حضرت محمد، محلاتى / ۱۹۰.
۱۲. محمد حسين طباطبائى، الميزان، ۴۱۴/۱۶، نقل به مصنون.
۱۳. سيمای زن در فقه شيعه / ۱۱۹-۱۲۰.
۱۴. الميزان، ۱۹/ ۵۵۲-۵۶۶.
۱۵. سيمای زن در فقه شيعه / ۱۱۶-۱۱۷.
۱۶. کلينى، كافى، ۳۸۹/۵، ح ۴.
۱۷. على محمد دخيلى، خديجه / ۱۱، ترجمه حريزجى.
۱۸. محمد على خليلى، زنان پيغمبر / ۴۱.
۱۹. زنان پيغمبر اسلام / ۳۰۱ و ۳۱۰.
۲۰. جعفر سبحانى، فروغ ابدیت، ۱/ ۱۹۵، دفتر تبليغات اسلامى، ۱۳۸۰.
۲۱. على كرمى فريدونى، فروغ آسمان حجاز خديجه / ۱۵۳.
۲۲. شهاب الدين احمد نوبرى، نهايه الارب فى فنون الادب، ۱۵۴/۳، ترجمه محمود دامغانى، ۱۳۶۵.
۲۳. زنان پيغمبر اسلام / ۶۵-۷۳، نقل به مصنون.
۲۴. همان / ۳۴۱.
۲۵. نهايه العرب / ۱۵۵.
۲۶. زنان پيغمبر اسلام / ۳۴۱.
۲۷. همان / ۳۳۲-۳۳۳.
۲۸. نهايه الارب / ۱۵۹.
۲۹. زنان پيغمبر اسلام / ۳۴۰.
۳۰. نهايه الارب / ۱۶۰.
۳۱. محمد بن سعد كاتب واقدى، طبقات الكبرى، ۸/ ۸۲، دارالفكر.
۳۲. على محمد على دخيل، اسم سلمه / ۱۰-۱۱، بيروت: مؤسسه اهل البيت، ۱۳۹۹ هـ.
۳۳. احمد بهشتى، زنان قهرمان / ۲۰، فاروس.
۳۴. زنان پيغمبر اسلام / ۳۲۸-۳۲۸.
۳۵. همان / ۳۳۸-۳۴۰.
۳۶. محمد على قطب، جوپريه / ۶۶.
۳۷. نهايه الارب / ۱۶۴.
۳۸. زنان پيغمبر اسلام / ۳۳۰.
۳۹. محمد على قطب، ام حبيبته / ۱۵-۱۶، بيروت: دارالقلم.
۴۰. زنان پيغمبر اسلام / ۲۲۶-۲۴۲، نقل به مصنون.
۴۱. همان / ۳۴۳.
۴۲. نهايه الارب / ۱۶۹.
۴۳. طبقات الكبرى / ۱۳۸.
۴۴. نهايه الارب / ۱۶۹.
۴۵. همان.
۴۶. الاصابه فى تميز الصحابه، ۱۹۲/۸.
۴۷. زنان پيغمبر اسلام / ۳۶۰.